

## سلامی دوباره به سید حسن سلامی



### چه کسانی در تیم والیبال کازرون بودند؟

«آقای حمید ماهیانه کاپیتان تیم، من و آقایان نصراله سپرهم، هاشم ستونی، محسن آصف‌جاه و علی اندیشه‌گر (دانشپور)، در این بازی که همه تماشاگران تیم یاسوج را تشویق می‌کردند، تیم ما توانست با نتیجه سه-صفر و اختلاف زیاد، در هر ست، برنده شود، یک هفته بعد، برگشت این مسابقه در کازرون برگزار شد، پیش از آغاز بازی، زنده‌یاد سلامی مرا خواست و گفت: علی آقا شما که با نتیجه خوب در یاسوج از این‌ها بردید، حالا چه جوری باشون بازی کنید، چون تیم نوبیادی‌ست، ناامید نشوند و با نتیجه آبرومندی برگردند. به کاپیتان تیم گفتم: آقای سلامی چنین پیشنهادی دادند! گفتم: ما بازی خودمون را می‌کنیم، ببینیم چی میشه، بازی شروع شد و ما باز، سه ست پشت سرهم بردیم، ولی فاصله‌مون نسبت به بازی قبل کمتر بود، چون آنها بهتر بازی کردند و باخت آبرومندی داشتند، آقای سلامی هم از این بابت خوشحال شد. اعضای دو تیم را جمع نمود و ابتدا به تیم مهمان برای بازی خوب‌شان با ما، تبریک گفت و بعد به تیم کازرون، این مرد بزرگ برای مهربانی و رفاقت در ورزش آفریده شده بود و از این حیث در شهرستان بدیل نداشت.

### سلامی، در بین مردم جایگاه والایی داشت

«یه روز با شادروان سلامی تو استادبوم کنار زمین ایستاده بودیم، درباره ورزش و تدابیر آینده برای روشنائی زمین فوتبال صحبت می‌کرد، از بلند پرکاری ایشان، شادروان جواد داودی، آهن‌فروش مشهور کازرون آمد و به ما سلام کرد، آقای سلامی با خوشحالی به او خوش آمد گفت و از وی خواست تا برای ورزش فرزندان این شهرستان کاری انجام دهد، آقای داودی گفت: اگر کاری از دستم بر میاد بفرمایید تا انجام دهم، آقای سلامی گفت: برای روشنائی زمین فوتبال نیاز به دکل داریم، شما لطف کنید ساخت یکی از این دکل‌ها را متقبل شوید و به بچه‌های کازرون پیشکش نمایید، آقای داودی گفت: چشم، امرتون را اطاعت می‌کنم و یکی از دکل‌های قدیمی استادبوم را که هنوز موجوده ساخت و به ورزشکاران هدیه نمود، سه تا دکل دیگر هم زنده‌یاد سلامی به همین شکل با کمک مردمی ساخت!



در یادواره زنده‌یاد سلامی که عصر پنجشنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۹۷ خورشیدی، در سالن شهید عسکری کازرون برگزار شد، اکثر ورزشکاران کازرونی از نقاط مختلف به پاسداشت خدمات ارزشمند آقای سلامی، آمده بودند؛ اما یکی از پیشکسوتان خوشنام ورزش کازرون، آقای علی‌اکبر جمشیدی به علت خاکسپاری خاله که مادر خانمش هم بود، حضور نداشت، چند روز بعد خدمت‌شان رسیدم و تسلیت گفتم و از ایشان خواستم درباره زنده‌یاد سلامی صحبت کند، ایشان با فروتنی خاص خود، گفتند: «بیان عاجز از توصیف استاد سلامی‌ست، ولی چون شما زحمت کشیدید و اینجا آمدید، چند خاطره از ایشان نقل می‌کنم.» قلم و کاغذی از برادرش، علیرضا گرفتند و آماده نوشتن شدم. گفت: «سال ۵۲-۵۳ به دعوت مدیرکل تربیت‌بدنی کهگیلویه و بویراحمد، آقای بحرانی که با شادروان سلامی دوست صمیمی بود، برای مسابقه دوستانه با تیم نوپای والیبال آن استان به یاسوج رفتم، گرم ما را پذیرفتند، بعد از نهار و استراحت کوتاهی، مسابقه برگزار

شد.»



### جناب جمشیدی، چرا این تصمیم را گرفتید؟

«به خاطر رفاقت.»

### یعنی به خاطر محروم کردن به شهرستان از توانایی ورزشی؟

«جوانی بود و غرور خاص خود، وانگهی نسل ما در دورانی رشد کرد که دوستی و رفاقت حاکم بود!»

### آقای جمشیدی دوستی و رفاقت به جا، ولی بردن آقای ستونی خلاف قانون و روحیه ورزشی است و اگر پی می‌بردند امکان داشت کازرون را از رقابت‌های ورزشی حذف کنند؟

«بله، در این سن و سال وقتی به آن جریان می‌نگریم، حتی با آنها بوده. البته آقای سلامی هم از تلاشش برای بردن ما به مسابقات دست نکشید، با دلیلی و پدرم صحبت کرد و آن‌ها را قانع ساخت، آنها هم از من خواستند به اردوی کازرون بپیوندم خوشبختانه آن سال هم طبق معمول کازرون قهرمان شد.»

### برمنشی و بزرگواری

«از بزرگواری ایشان، چگونه بگم؟ سال‌ها گذشت، من دیپلم گرفتم و سربازی رتقم و آموزگار شدم، یه روز که از خاطرات گذشته می‌گفتم برحسب اتفاق آقای سلامی، به من گفت: یادت هست علی آقا، آن سال می‌خواستی با تیم نیای؟ گفتم: عذر می‌خواهم استاد، شرم‌ندم، ببخشید، گفت: من همان روز بخشیدم و گله‌ای ندارم. فقط جهت یادآوری آن دوران گفتم. نگران نباش.»

### شما، در آن مسابقات خوب بازی کردی؟

«بله، زمین که می‌رفتم، با تمام توان بازی می‌کردم. یادم هست، یه بار فینال والیبال کازرون، بین تیم ما، سازمان جوانان (و نیرو) با تیم حریف بود، یه تویی که داشت تو زمین ما می‌خوابید و با زمین حدود ۳۰ سانت فاصله داشت، به سمتش شیرجه رفتم، دست چپم را ستون بدم ساختم و با پشت دست راست، توپ را زدم، افتاد پشت سر بازیکنان حریف و خوابید! تماشاگران مرا تشویق کردند، آقای سلامی آن سمت زمین بود، با سرعت خودشو به من رساند و گفت: آفرین علی، این توپ را خیلی خوب جمع کردی! و بارها این مطلب را جهت تشویق من گفت.»

### از چه زمانی با زنده‌یاد سلامی آشنا شدید؟

«از آن زمان که کازرون نپیوستند و این، آقای سلامی را آزرده ساخت.»

قانون چون آقای ستونی فارغ‌التحصیل شده، نمی‌توانیم او را با خود ببریم!



از راست به چپ زنده‌یاد سید عبدالحمید کاظمینی، محسن آصف‌جاه، زنده‌یاد خلیل پاکدل، نصراله سپرهم، علی‌اکبر جمشیدی، حمید ماهیانه، عبدالصاحب باز آبی، زنده‌یاد سید حسن سلامی

سالی که کاپیتان تیم والیبال آموزشگاه‌های کازرون شده بودم و برای رقابت‌های استانی تمرین می‌کردیم، به من گفتند: آقای هاشم ستونی که تازه دیپلم گرفته را به تیم دعوت کنید تا اگر شد به رقابت‌های استانی ببریم، من هم از ایشان دعوت کردم، او هم در تمام تمرینات حاضر می‌شد.

سالی که کاپیتان تیم والیبال آموزشگاه‌های کازرون شده بودم و برای رقابت‌های استانی تمرین می‌کردیم، به من گفتند: آقای هاشم ستونی که تازه دیپلم گرفته را به تیم دعوت کنید تا اگر شد به رقابت‌های استانی ببریم، من هم از ایشان دعوت کردم، او هم در تمام تمرینات حاضر می‌شد.

سالی که کاپیتان تیم والیبال آموزشگاه‌های کازرون شده بودم و برای رقابت‌های استانی تمرین می‌کردیم، به من گفتند: آقای هاشم ستونی که تازه دیپلم گرفته را به تیم دعوت کنید تا اگر شد به رقابت‌های استانی ببریم، من هم از ایشان دعوت کردم، او هم در تمام تمرینات حاضر می‌شد.

## به مناسبت سالگرد عملیات‌های کربلای ۴ و ۵

### معرفی سرداران شهید کازرون در این دو عملیات

و ابستگی به دنیای فانی و زودگذر را گسست و به آرزوی چندین ساله خود رسید و به سوی معبود و معشوق خویش شتافت.

فرازی از وصیت‌نامه شهید باقری‌زاده اگر خدای نکرده یک روز بین شما برادران حزب الهی و مؤمن اختلاف پیش بیاید، دست‌دسته و گروه‌گروه مانند لبنان و غیره شوید اسلام و جمهوری اسلامی ضربه بسیار سنگینی می‌خورد، لذا از شما می‌خواهم که از این اختلافات جزئی دست بردارید و مانند همیشه با یکدیگر متحد شوید.

### ۲. شهید علی نظر دهقان



شهید علی نظر دهقانی در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی و کشاورز پا به عرصه وجود گذاشت. در دوران کودکی با داشتن پدری و مادری وفادار و مؤمن همچنان درس تقوا و خدایرستی را آموخت. با به مدرسه درآمدن انقلاب اسلامی و ورود او به مدرسه راهنمایی شرکت فعالی در راهپیمایی‌ها و تظاهرات داشت.

کلاس دوم راهنمایی بود که جنگ تحمیلی شروع شد. شهید علی نظر با عشق و علاقه‌ای که نسبت به حفظ حرست از

و یاری امام و انقلاب از دستش می‌آید کوهایی نمی‌کرد.



و شبانه‌روز در این راه فعالیت می‌نمود تا اینکه جنگ تحمیلی صدام آغاز شد او همراه با یاران خداجویش به‌عنوان اولین گروه به سوسنگرد اعزام شد و پس از بازگشت از سوسنگرد به عضویت سپاه انقلاب اسلامی درآمد و مدتی به‌عنوان فرمانده آموزشی در پادگان شهید دستغیب و در جبهه با سمت فرمانده آموزشی واحد لشکر ۱۹ فجر به آموزش برادران رزمنده مشغول شد.

ابراهیم در ضمن انجام این مسئولیت‌ها اکثراً در عملیات‌ها شرکت می‌نمود و پیوسته در خط مقدم جبهه‌ها حضور فعال داشت تا اینکه در سال ۶۲-۶۱ مسئولیت عقیدتی سیاسی لشکر ۱۹ فجر را عهده‌دار شد.

در سال ۶۵ به‌عنوان معاونت فرماندهی گردان امام رضا (ع) در عملیات کربلای ۴ شرکت جست و پس از به شهادت رسیدن فرمانده دلوروش اسلام نسب به‌عنوان انجام‌وظیفه مسئولیت فرماندهی گردان را پذیرفت.

تا اینکه در دومین شب از عملیات افتخارآفرین کربلای ۵ این بنده خداجوی با شهادت حسین‌گونه خویش زنجیرهای

دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ به دلیل گستردگی و نتایج آن همواره مورد تحلیل و گفت‌وگو بوده‌اند و حتی پس از ۳۲ سال که از این دو عملیات می‌گذرد هنوز سخنان جدید و گاه تأمل‌برانگیزی درباره این دو عملیات به گوش می‌رسد؛ اما فارغ از همه این مسائل آنچه نمی‌گذارد این مقطع تاریخ دفاع مقدس فراموش شود تعداد شهدای بسیاری است که جان‌نثار کردند تا تلخی کربلای ۴ به شیرینی کربلای ۵ برسد.

ضمن تجلیل از مقام شامخ شهدا و خصوصاً شهدای این دو عملیات، در این سطور به معرفی سرداران شهید شهرستان کازرون در این دو عملیات خواهیم پرداخت.

شهرستان کازرون که همواره در جبهه‌های گوناگون دفاع مقدس سهم بسزایی داشته است، در این دو عملیات هم شهدای بسیاری تقدیم ایران اسلامی کرده است، به‌طوری‌که آمار حکایت از آن دارد که در مجموع دو عملیات قریب به ۱۸۰ نفر از رزمندگان کازرونی شربت شهادت نوشیدند. در بین این شهدا به نام ۷ شهید شاخص شهرستان برمی‌خوریم که عبارت‌اند از: شهید ابراهیم باقری‌زاده (کربلای ۵)، شهید علی نظر دهقان (کربلای ۴)، شهید هرمز دهقانی (کربلای ۵)، شهیدنوردهقان (کربلای ۴)، شهید محمد کاظم حبیبینی‌پور (کربلای ۵)، شهید غلام‌معلی کرمی (کربلای ۵) و شهید محمد پژگاله (کربلای ۵) در ادامه به معرفی این شهدای والامقام خواهیم پرداخت:

### ۱. شهید ابراهیم باقری‌زاده

شهید برادر ابراهیم باقری در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای متعهد و مذهبی متولد شد و در همان ایام کودکی همراه پدر بزرگش به نماز جماعت می‌رفت. وی قبل از انقلاب به جرم فعالیت و شرکت در راهپیمایی‌ها علیه حکومت شاه معذوم به زندان افتاد، تا اینکه با سرنگونی آن ملعون آزاد شد، ابراهیم بعد از انقلاب آنچه در جهت معرفی

«از آغاز فعالیت ورزشیم، در دوران دانش‌آموزی، چون ایشان مدیر تربیت‌بدنی آموزش و پرورش (اداره فرهنگ) بودند، سال ۴۹-۵۰ تربیت‌بدنی شهرستان ایجاد شد و آقای سلامی مدیریت آن را به عهده گرفت و آقای گروهش مدیر تربیت‌بدنی آموزش و پرورش گردید.»

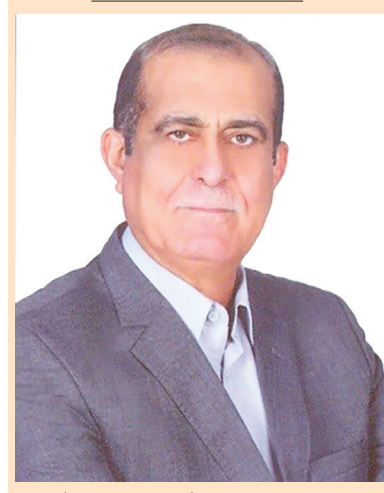
### خاطره‌ای پس از انقلاب اسلامی، از ایشان دارید؟

«بله، آقای سلامی قدرت جاذبه بی‌ظنیری داشت و جوان‌هایی را که تشخیص می‌داد برای ورزش کازرون می‌فیدند، جذب می‌نمود و از آنها برای پیشبرد ورزش استفاده می‌کرد. به خاطر دارم که در سال‌های ۵۸-۵۹ که تیم انقلاب با تیم جوانان پرسپولیس به فینال فوتبال کازرون رسیده بودند، آقای سلامی، اکثر مسئولین شهر را دعوت کرده بود و افراد بسیاری در استادبوم حضور داشتند؛ از جمله تیمسار غفاری با چند یگان تحت امرش. بازی با شور و هیجان خاصی آغاز شد که در پایان، تیم انقلاب که من مربی‌اش بودم با برتری یک گل، پیروز شد پس از پایان مسابقه همه به‌صاف شدیم و آماده دریافت جام قهرمانی بعد از نواختن سرود ملی و چند آهنگ شاد، توسط نوازندگان، موزیک، نیروهای ارتش، نوبت اهلبای جام قهرمانی شد بلندگوی ورزشگاه نام مرا به‌عنوان مربی صدا کرد و آقای سلامی با اشاره به من گفت: تیمسار، من هم رفتم و جام را دودستی تقدیم تیمسار نمودم، تیمسار، بزرگواری نمود، سرم را بوسید و جام را به خودم برگرداند. با این کار آقای سلامی، جامعه ورزشی را عزیز نمود. روحش شاد و یادش گرامی.»



## نقش ادارات در زیباسازی شهرمان

### منوچهر حبیبی



یکی از مهمترین نیازهای شهروندان، برخورداری از شهری زیبا و پاکیزه است که برای تحقق این خواست، شهرداری متولی اصلی و تعیین‌کننده به‌حساب می‌آید. حال تا چه حد شهر کازرون علیرغم برخورداری از موقعیت ویژه طبیعی و پیگیری‌های مردمی به این هدف مهم رسیده است و شهرداری و شورای شهر به موفقیت آن‌چنانی دست یافته‌اند؟

تنها با گردشی کوتاه در سطح شهر می‌توان واقعیت‌ها را دید و قضاوت عادلانه کرد تا اجحاف و ظلمی در حق کسانی که ایثارگرانه تلاش کرده و می‌کنند روا نگردد.

## ادامه دارد...